

اشاره

ورزشی و روشن کردن دیدگاه‌های گوناگون متخصصان در این خصوص، میزگردی با حضور آقایان: دکتر رامین طباطبایی مدیرکل استعدادیابی و توسعه قهرمانی وزارت ورزش و جوانان، مهران سررشته معاون آکادمی ملی المپیک، حسین فرزانی از پیش‌کسوتان و مدیران ورزشی کشور، فتح‌الله مسیبی مسئول روان‌شناسی آکادمی ملی المپیک، دکتر امیرحسینی از مسئولان آکادمی ملی المپیک و خانم فریبا محمدیان‌فر از مسئولان ورزش بانوان کشور برگزار کرده است که گزارش آن در ادامه تقدیم مخاطبان گران قدر مجله می‌شود. شایان ذکر است مدیریت برگزاری این میزگرد بر عهده دکتر سیدامیر حسینی بود.

استعدادیابی ورزشی چیست؟ چه تفاوتی با نخبه‌یابی دارد؟ استعدادیابی در نظام ورزشی ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا در گذشته و تاکنون استعدادیابی ورزشی نداشته‌ایم؟ وظایف وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ورزش و جوانان در زمینه استعدادیابی ورزشی چیست؟ کدام‌یک از این وزارتخانه‌ها در زمینه استعدادیابی ورزشی وظیفه اساسی و مهم‌تری دارند؟ نقش معلمان ورزش در استعدادیابی ورزشی چیست؟ آیا مدارس شرایط و امکانات لازم را برای استعدادیابی ورزشی دارند؟

فصل‌نامه رشد آموزش تربیت‌بدنی، به‌منظور

طرح مسئله مهم استعدادیابی

استعدادیابی ورزشی در ایران چه جایگاهی دارد؟

مجله رشد تربیت‌بدنی در میزگردی
با حضور کارشناسان بررسی کرد

محمود اردو خانی



حسینی: موضوع و محور اصلی بحث ما در این میزگرد، استعدادیابی ورزشی است. بنابراین با استعدادیابی و عوامل مؤثر در آن میزگرد را آغاز می‌کنیم و از آقای حسین فرزازی با توجه به تجاربی که در این زمینه دارند، تقاضا می‌کنیم صحبت خود را شروع کنند.

فرزازی: در زمان ما شخصی بود به نام جاناتان پور که موقع مسابقات آموزشگاه‌ها حاضر می‌شد و افراد را زیر نظر می‌گرفت و می‌گفت هر کسی برای کدام ورزش مساعدتر است و او را به باشگاه تاج (استقلال فعلی) معرفی می‌کرد. زمانی که من مربی تیم فوتبال دبیرستان ایرانمهر بودم، نمی‌دانستم باشگاه چیست. یک روز جاناتان پور به من گفت: شما باشگاه می‌روید؟ گفتم نه. در محله با بچه‌ها بازی می‌کردم و در دبیرستان هم توسط دبیر ورزشم انتخاب شدم. وی فرمی را به من داد تا پر کنم که در آن فرم، اندازه قد، اندازه پا، اندازه شانه‌ها و سن و سال را خواسته بودند. بعدها متوجه شدم که آقای جاناتان پور یک فیزیوتراپ و کاربلد آبدرمانی است و از آنجا به مربی‌گری دومیدانی رسیده است. او مرا برای دوی ۴۰۰ متر انتخاب کرد ولی من گفتم من فوتبال بازی می‌کنم. او نظرش این بود چون پاهای من بلند است و گام‌های بلندی دارم بهتر است به دو ۴۰۰ متر بروم. پذیرفتم و در اولین مسابقه در گروه خودم اول شدم.

درحالی که در رشته پینگ‌پنگ هم با اینکه کلاس دوم دبیرستان بودم یکی از بچه‌های کلاس ششم دبیرستان را که قهرمان ملی هم بوده شکست دادم.

حسینی: منظور شما این است که آقای جاناتان پور استعدادیابی می‌کرد؟ به نظر شما استعدادها، خودشان را تحمیل نمی‌کردند؟

فرزازی: بله. او مرا به جاهای مختلفی برد. اما من فوتبال را دوست داشتم. افرادی مثل جاناتان پور، جاهد و مدد در جاهای مختلف استعدادیابی می‌کردند اما تعداد این افراد به اندازه انگشتان یک دست بود. علاوه بر این، استعدادیابی در آن زمان به صورت علمی نبود.

حسینی: پس در گذشته استعدادیابی بوده، اما علمی و سازمان‌یافته نبوده است. آقای سررشته شما بفرمایید.

سررشته: من همیشه با مقوله استعدادیابی درگیر و ناظر پروژه استعدادیابی بودم. من نام این کارهایی را که اشاره شد، نظام استعدادیابی نمی‌گذارم و معتقدم ما در ایران چیزی به نام نظام استعدادیابی نداریم. تخته‌ها، نصیری‌ها و ... همه خودرو بودند. ما اگر نظام استعدادیابی داشته باشیم، می‌توانیم تعداد زیادی ورزشکار به دنیا معرفی کنیم. ما استعدادیابی نداریم و دوره‌اش را هم ندیده‌ایم. استرالیا، آلمان و کانادا در استعدادیابی از همه کشورها بهتر هستند. به دلیل اینکه این سه کشور هم عزم ملی، هم بودجه ملی و هم بسیج علمی در این زمینه دارند. آن‌ها ۲۰ هزار نفر استعدادیاب مشاغل و آموزش دیده دارند.

در کانادا هر سال استعداد حرکتی حدود ۲ میلیون دانش‌آموز را زیر نظر می‌گیرند. یعنی اینکه چه تعداد از این‌ها می‌توانند ورزش کنند. در ادامه از این ۲ میلیون نفر، فقط ۲ هزار نفر باقی می‌مانند که می‌توانند ورزشکار شوند. سپس این ۲ هزار نفر را به سمت رشته‌های مختلف هدایت می‌کنند: ۱۰۰ نفر برای کشتی، ۱۰۰ نفر برای فوتبال، ۱۰۰ نفر برای بسکتبال و همین‌طور برای سایر رشته‌ها. در کشور ما این مسئله می‌تواند هدف مشترک وزارت ورزش و جوانان و آموزش و پرورش باشد. هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. باید عزم ملی، بودجه ملی و افراد علمی را بسیج کنیم تا بتوانیم در ورزش مملکت تأثیر بگذاریم.

نظام استعدادیابی ورزشی داشتیم

حسینی: ما به هر حال نظام استعدادیابی داشته‌ایم و نمی‌توانیم بگوییم نداشته و نداریم. اما می‌توانیم ضعیف بودن یا قوی بودن را با توجه به مشکلاتی که دارند بیان کنیم. مثلاً موردی را که آقای فرزازی اشاره کردند. استعدادیابی بوده که روند آن را باشگاه‌ها از طریق جاناتان پورها پیگیری می‌کردند. رابطه‌ای بین باشگاه‌ها و آموزش و پرورش وجود داشته است. مثلاً ما در المپیک سیدنی جلسه‌ای در معاونت سازمان تربیت بدنی گذاشتیم و از قهرمانان پرسیدیم که چگونه جذب ورزش شدند و یا به‌عنوان استعداد شناخته شدند؟ آقای رضازاده گفت: مربی‌اش آقای اولاد وطن که معلم ورزشش هم بوده، قابلیت او را شناسایی و ابتدا به کشتی و بعد به وزنه‌برداری دعوتش کرده است. همچنین آقایان ساعی و دبیر هم نقش مربیان‌شان را در شناخت استعداد آن‌ها مؤثر دانستند. برادران خادم، توکلی، عباس جدیدی هم در ورزش

بر اساس مشاهده اولیه عمل می‌کنیم؛ پیدا کردن قد بلند و دست بلند را برای ورزش‌های مختلف در نظر می‌گیریم. در کشورهای دیگر می‌گویند ما فرد را مساعد و آماده می‌کنیم تا استعداد خودش در این مسیر بیفتد و رشد کند. مثل آمریکا که اصلاً فرایند استعدادیابی ندارند. می‌گویند آموزشگاه‌های ما آن قدر قوی است و آن قدر مراکز ورزشی داریم که بر اساس علاقه و استعداد، فرد خودش را نشان می‌دهد. ما باید بر اساس بوم و شرایط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مان کار کنیم.

به نظر من در ایران ما حتماً به یک نظام استعدادیابی نیاز داریم، چون آموزشگاه‌ها و حتی وزارت ورزش آن ظرفیت را ندارند که بخواهند همه را پوشش بدهند. منتها باید عدالت‌محور باشیم شکل و فرایندی را تعریف کنیم که هیچ استعدادی در هیچ جایی هرز نرود و در مسیر فرایند قرار بگیرد. حال اگر پدر و مادر یا دوستان نگذاشتند چیزی دیگری است. ما این فرصت را بدهیم تا همه در مسیر قرار بگیرند. باید بین وزارت ورزش و جوانان و آموزش‌های ورزشی تعامل داشته باشیم.

جامعه هدف استعدادیابی، دبستانی‌ها هستند. ما باید فرایند آن را برای معلم ورزش تعریف کنیم و یک نظامی داشته باشیم که افراد را ارزیابی کنند.

ما باید به فرد فرصت بدهیم، نمی‌توانیم او را مجبور کنیم که به سمت چه ورزشی برود. من احساس می‌کنم در کشورمان می‌توانیم این فرایند را تعریف کنیم، آموزش و پرورش باید ابزار لازم را داشته باشد، چون افراد ۸ تا ۱۲ سال آنجا هستند. ما باید معلمان ورزش را آموزش دهیم و پایگاه‌های سنجش را در اختیار آموزش و پرورش بگذاریم تا استعدادیابی کند. این کار، نخبه‌یابی نیست، بلکه از طریق پایگاه‌ها در آموزش و پرورش و جشنواره‌های ورزشی و فعالیت‌های پایه و افراد با استعداد را جذب می‌کنیم تا بعدها در اختیار هیئت‌ها قرار بگیرند. یک دسته دیگر استعداد هم دارند اما اصلاً دوست ندارند ورزش کنند و اصلاً ورزشی نیستند، اما یک‌باره در سن ۲۰ و ۲۱ سالگی شکوفا می‌شوند و خودشان را نشان می‌دهند و ما می‌گوییم ای کاش او را چند سال پیش دیده بودیم، نه حالا که قد او در سن ۲۰ سالگی دو متر و ده سانت است. دولت باید در این بخش که بهره‌برایایی دارد، هزینه کند. در این بخش ۱ تا ۲ درصد از صد نفر نخبه می‌شوند.

فرزانی: علی دایی وقتی تازه مهندس شده بود شناسایی شد، در حالی که اگر در اردبیل نگاه و سیستم مناسبی برای استعدادیابی وجود داشت، علی دایی خیلی زودتر شناخته می‌شد.

آموزشگاهی حضور داشتند و سیستم آموزش و پرورش کمک کرده تا آن‌ها استعدادشان شناخته شود. ما می‌توانیم بگوییم یک نظام قوی و منسجم مانند خیلی جاها مثل آلمان شرقی سابق نداریم، اما دارای یک نظام استعدادیابی هستیم که می‌تواند پویاتر باشد.

نکته دیگری که خوب است دوستان به آن اشاره کنند، موضوع شناسایی استعدادها بالقوه و بالفعل است. آیا باید همچنان مثل گذشته این‌ها را به صورت تجربی شناسایی کنیم؟

استعدادیابی را نباید با نخبه‌یابی مخلوط کرد

طباطبایی: منظور ما از استعدادیابی، استعدادهای بالقوه است، یعنی شناسایی استعداد قبل از اینکه فرد بخواهد ورزش را انتخاب کند. هدف ما شناسایی افراد بین ۸ تا ۱۲ سال است که هنوز ورزش خاصی را انتخاب نکرده‌اند و باید شناسایی شوند.

ما الان داریم راجع به نخبه‌یابی بحث می‌کنیم که فرد رشته‌اش را انتخاب کرده و ما می‌گوییم جای دیگر هم می‌تواند باشد یا خوب است باشد و مؤثرتر است و یا او را ارتقا می‌دهیم. بنابراین نخبه خودش را تحمیل کرده که مسئله‌اش فرق می‌کند. من نظرم این است که نخبه‌یابی کار باشگاه‌ها و فدراسیون‌هاست و استعدادیابی به آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان برمی‌گردد. ما باید روی استعدادیابی سرمایه‌گذاری کنیم. نخبه‌یابی کار آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان نیست. چون وقتی استعداد نخبه شد، به هیئت‌ها واگذار می‌کنیم، مثلاً می‌دهیم به فوتبال، به استقلال، پرسپولیس. ما دیگر وظیفه‌ای نداریم. بقیه راه را باید هیئت‌ها و باشگاه‌ها طی کنند. ما نباید استعدادیابی را با نخبه‌یابی خلط کنیم. در کشور ما آنچه منفعل است استعدادیابی است، چون ما

امیر حسینی: در آموزش و پرورش باید علاوه بر اینکه به ورزش عمومی توجه می‌کنیم، به شناسایی استعدادها، استعدادیابی و پرورش آن‌ها هم بپردازیم



حسینی: منظور شما از سرمایه‌گذاری دولت چیست؟
منظور، آموزش دانش‌آموز، آموزش خانواده و یا آموزش معلمان و مربیان است؟

علاقه شرط است

طباطبایی: من نظرم این است که دوسویه است. در حالی که به خانواده و دانش‌آموز باید آموزش بدهیم آن صد نفری را هم که گفتم ۹۸ نفرشان نمی‌توانند، باید آموزش بدهیم و این فرصت را بدهیم که اگر کسی خواست به فوتبال برود، ما نمی‌توانیم با توجه به شرایط اقتصادی و خانوادگی چیزی را تحمیل کنیم. علاقه شرط است. وقتی ۳۰ میلیارد تومان خرج پرسپولیس و ۳۰ میلیارد خرج استقلال می‌کنیم، باید مقداری هم خرج و هزینه استعدادیابی کنیم. ما باید به مربیانمان آموزش بدهیم. باید برای خودمان آموزش داشته باشیم. ابتدا از آموزش و پرورش شروع کنیم تا بتوانیم دانش‌آموز را در این فرایند قرار بدهیم و جمعیت ۱۹ میلیونی را تحت پوشش قرار دهیم.

حسینی: از دوستان خواهش می‌کنم که میل و گرایش اجتماعی جامعه ورزشی را هم ببینند و به خانواده که با داشتن استعداد ورزشی خاص، فرزندش را به طرف میل خود که ورزش دیگری است هدایت و پشتیبانی می‌کند هم توجه کنند. مثلاً خانواده بچه را به طرف فوتبال هدایت می‌کند، در حالی که این فرزند اصلاً نه فیزیکی فوتبالی دارد و نه به لحاظ روانی امتیازات یک فرد فوتبالی را دارد. حیاط مدرسه را هم ببینند و معلمان ورزش و توانمندی‌های آن‌ها را هم در نظر داشته باشند و پدیده استعداد والیبالی اما میل فوتبالی را هم مدنظر قرار دهید.

پرورش استعداد هم مهم است

مسیبی: استعدادیابی خوب است و ضرورت دارد و هیچ‌کس در آن تردیدی ندارد. نگاه مدیران ورزشی در این مسئله این است که ورزشکاران خوبی داشته باشیم تا در موقعیت‌های بین‌المللی موفقیت‌های بیشتری کسب کنیم. اما باید بدانیم که استعدادیابی برای کسی که ارزیابی می‌شود، هم خوب است. چون استعدادش به جایی هدایت می‌شود که می‌تواند به نتیجه برسد. ما باید بذر را در زمینی بکاریم که جواب دهد و محصول خوبی داشته باشد. یکی از اهداف استعدادیابی، هدایت استعدادهاست. آقای فرزانی فرمودند: در

چند ورزش موفق بودند. در استعدادیابی بعضی از استعدادها را می‌گویند آل اسپورتنس (All Sports) و بعضی را می‌گویند سینگل اسپرت (Single Sport). به عنوان مثال می‌گویند: عبدالله موحد در هر رشته‌ای که می‌رفت قهرمان می‌شد.

از نیم قرن پیش معلم ورزش ما می‌گفت: بروید پرتاب وزنه. شما برو وزنه‌برداری چون کمرت گود است، یا اینکه شما کف پایت بزرگ است برو شنای قورباغه. در واقع استعدادیابی قواعدی دارد و یک نوع نظام‌مند علمی که آقای دکتر خوب آن را توضیح دادند. اما من با مسامحه نخبه‌یابی را هم استعدادیابی می‌گویم و آن را بسیار مهم می‌دانم و می‌گویم اگر امکان پرورش و استعدادیابی نداریم نه وقت مردم را بگیریم و نه وقت خودمان را. بنده حدود ۲۰ یا ۳۰ سال پیش دبیر هیئت شنای تهران و برگزار کننده مسابقات قهرمانی کشور بودم. من استعدادیابی در شنا را می‌گویم. اگر کسی می‌خواهد به شنا بیاید باید قبلند داشته و پوست بدنش سفید باشد، فاصله دست‌هایش زیاد باشد. این‌ها عوامل مؤثر برای شناست. اما یک نفر آمد بسیار فشرده و چغر کوتاه‌قد و تا دلتان بخواهد سیاه، یعنی هیچ یک از فاکتورهای مثبت شنا را نداشت اما در هفت رشته در شنای کشور اول شد. برایم سؤال شد. چون دانشجوی تربیت‌بدنی بودم. با توجه به ذهنیات علمی‌ام از او سؤال کردم چه‌طور توانسته به این درجه برسد. متوجه شدم که پدرش سرایدار استخر بوده؛ یعنی از بچگی در استخر بوده است. مثال دیگری از آمریکا می‌زنم. در شرایطی فردی را که غیرمستعد تشخیص داده شده بود، به لحاظ تشابه اسمی وارد مسابقات می‌کنند، یعنی در بین مستعدها قرار می‌گیرد و او قهرمان می‌شود. در واقع او ثابت کرد اگر شرایط باشد او هم می‌تواند قهرمان شود.

ما باید وقتی دنبال استعدادیابی باشیم که شرایط آن را داشته باشیم. به نظر من استعدادیابی بخشی از کار است، نصف کار است. حتی کمتر از نصف

مسیبی: استعدادیابی خوب است و آموزش و پرورش باید در این زمینه نقش اصلی را ایفا کند؛ ولی باید شرایط پرورش این استعدادها را هم داشته باشیم



است. بخش عمده شرایط، پرورش است که باید آن را داشته باشیم. اما برای قهرمان‌پروری که یک ضرورت است، هیچ کشوری حتی ثروتمندترین کشورها هم نمی‌توانند امکانات ورزشی را برای همه فراهم کنند.

حسینی: منظورتان از پرورش استعداد ایجاد استعداد است یا اینکه به استعداد مثنی و روش بدهیم؟ به‌طور کلی استعدادها را آموزش و پرورش بدهیم یا اینکه استعدادسازی کنیم؟

برای پرورش استعداد باید مربی و امکانات خوب داشت

مسیبی: استعداد کلاً امری بالقوه است. برای شکوفایی آن باید مربی خوب، بدن‌ساز خوب، متخصص تغذیه و روان‌شناس و پزشک ورزشی، امکانات و دستگاه‌های پیشرفته روز داشت. بنابراین در کنار یک تیم قوی به وسایل و امکانات زیادی نیاز هست که حتی در کشورهای ثروتمند هم بدون هزینه‌های لازم نمی‌شود استعدادپروری کرد. آن‌ها هم ناگزیرند سرمایه را در قهرمانی محدود کنند. قهرمانی‌ای که محصول داشته باشد. اما روش این‌ها با هم فرق دارد. اینکه در این زمینه آموزش و پرورش نقش اصلی را داشته باشد طبیعی است.

موضوع بعد اینکه روان‌شناسی درباره استعدادیابی چه می‌گوید؟ روان‌شناسی برای کسی که می‌خواهد در سطوح عالی المپیک عمل کند می‌گوید: باید عملکرد خیره را دید. برای این مسئله روان‌شناسی ده‌هزار ساعت تمرین هدفمند را طرح می‌کند. یک وقت شما بازی می‌کنید و لذت می‌برید اما یک وقت شما در ورزش باید از نقاط مشخص حرکتی ورزشی را تمرین کنید.

مثلاً توپ را برای شما می‌کارند و می‌گویند از این نقطه ده مرتبه

محمدیان فر: معلم ورزش فقط باید آمادگی جسمانی و چگونگی فعالیت بدنی را آموزش بدهد که در سنین پایین شروع می‌شود و اگر فرد با استعدادی دید، او را به سازمان یا باشگاه مربوط معرفی کند



ضربه بزنید یا ده ضربه از روی نقطه کرنر و ... این‌ها تمرینی است که ده‌هزار ساعت است. می‌گویند قبل از تمرین هدفمند بچه باید همه ورزش‌ها را بچشد. اینجاست که هم والدین و هم مربیان و هم خود بچه با توجه به سختی‌های یادگیری حرکتی و فیزیولوژیکی، تشخیص می‌دهد که او برای چه رشته‌ای مناسب است. بعد از این مرحله باید ده‌هزار ساعت کنترل شده و هدفمند طی ده سال کار کند. هزار ساعت در سال و ۲۰ ساعت در هفته.

اشاره کردید که خانواده ورزش دیگری را می‌خواهد در صورتی که بچه استعداد دیگری دارد. این یک بحث اجتماعی و اقتصادی است. ما در روان‌شناسی می‌گوییم که روان‌شناس به کسی نمی‌گوید چه کاری انجام بدهد، بلکه راه را برایش روشن می‌کند. آن تصویری را که شخص دارد بزرگ می‌کند و می‌گوید همه طرف آن را ببین. حالا خودت تصمیم بگیر و انتخاب کن. باور کنید من الان حدسم این است که بعضی حاضرند در دسته‌های پایین ۲ و ۳ فوتبال بازی کنند، اما حاضر نیستند قهرمان ژیمناستیک شوند.

مسائل اجتماعی و اقتصادی تضمین کننده است و ذوق بچه هم هست ولی ما در اینجا مشاوره می‌دهیم. وقتی فرد استعدادیابی نمی‌شود، تا سطح قهرمانی کشور می‌رود. اما وقتی به خارج از کشور می‌رود و با استعدادها روبه‌رو می‌شود وضعیت فرق می‌کند.

حسینی: هادی ساعی و مجید افلاکی کسانی بودند که از بین ۸ تا ۱۰ سالگی به ورزش آمدند. باید برای پرورش استعدادها برنامه‌ریزی داشته باشیم. اما اینکه چه فرایندی تعریف شود و برای معلمان ورزش و کف حیاط مدرسه چگونه برنامه‌ریزی کرد، باید مطالعه شود. در المپیک سیدنی به انستیتو کمبرا رفتم. جایی که استعدادهای ورزشی استرالیایی‌ها در آنجا هدایت می‌شد. دیدم برنامه ۲۰ ساله دارند. در بازی‌های المپیک مونترال ۱۹۷۶ ایران با کسب یک مدال نقره و یک برنز رده ۳۳ و استرالیا با کسب پنج مدال برنز، رده ۳۲ را به‌دست آورد. بعد از آن، استرالیایی‌ها برنامه جامعی را طراحی کردند و سرانجام در بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ برنامه‌شان جواب داد و در آن دوره مقام چهارم را کسب کردند. ما باید نظام برنامه‌های و افق درازمدتی داشته باشیم که ایران ۱۴۴۰ را ببینیم. افق ورزشی که ورزش دارد و اینکه چگونه می‌توانیم در المپیک و بازی‌های آسیایی آن را عملیاتی کنیم تا ایران در کجا قرار بگیرد یا از نظر سطح سلامت عمومی و سطح ورزشی در کجا باید قرار بگیرد.

فدراسیون ورزش‌های همگانی ما این هدف را تضمین کرده که ۵۰ درصد مردم ایران فعالیت خوب و مناسبی داشته باشند که می‌توان بستر آن را در آموزش و پرورش دید.

اجرای استعدادیابی سخت است

طباطبایی: آن چیزی که در بحث استعدادیابی سخت است، اجرای آن است.

فرزانی: در سال‌های گذشته ما یک سفر ورزشی به شوروی داشتیم و به دلیل سرما و برف نتوانستیم تمرین کنیم. ما را به سالی بردند که در جای‌جای آن ۱۸ تا ۲۰ نفر نشسته بودند که با حضور ما کار را تعطیل کردند. استادان ما می‌گفتند: این افراد (بچه‌ها) استعداد نبودند. برای ثبت‌نام آمده بودند. آنجا از هر رشته‌ای کارشناسی بود. بچه‌ها راه می‌رفتند و این‌ها با راه رفتن آن‌ها را انتخاب می‌کردند. بعد از سال‌ها مطلبی را خواندم که نوشته بود ما از نطفه، قهرمانی را در بدن قهرمانان می‌کاریم. این نطفه وقتی متولد شد، تحت آموزش قرار می‌گیرد و می‌شود قهرمان پرش ارتفاع. در المپیک وقتی او دوم یا سوم شد، تمام استادان را خواستند که چرا با وجود این برنامه‌ها او دوم یا سوم شد.

پاسخ دادند که این فرد فاقد خانواده بوده و هیچ واکنشی به خانواده و به کشور نداشته و دوم یا اول شدن برایش فرقی نمی‌کرده است. لذا نقش خانواده خیلی مهم است. در جلسه‌ای که حدود ۶ یا ۷ سال پیش با حضور صد نفر از رؤسا و مشاوران داشتیم، مطرح شد که در آلمان که یک کشور سرمایه‌خیز است، استعدادیابی‌های محلی دارند که به پدر و مادرها حکم می‌دهند یا فدراسیون دو و میدانی آمریکا با شرکت‌های تجاری قرارداد می‌نویسند و آن‌ها را از پرداخت بعضی عوارض و مالیات‌ها معاف می‌کنند و در ازای آن ده سال چند قهرمان دو و میدانی را تحویلشان می‌دهند و در این مدت چهار مدال طلا را مطالبه می‌کنند. همچنین در شنا. لذا می‌بینیم که آمریکایی‌ها در شنا و دو و میدانی بیشتر مدال‌ها را از آن خود می‌کنند. حالا اگر ما بخواهیم فقط روی آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنیم جواب نمی‌دهد. ما باید این سیستم استعدادیابی را عوض کنیم.

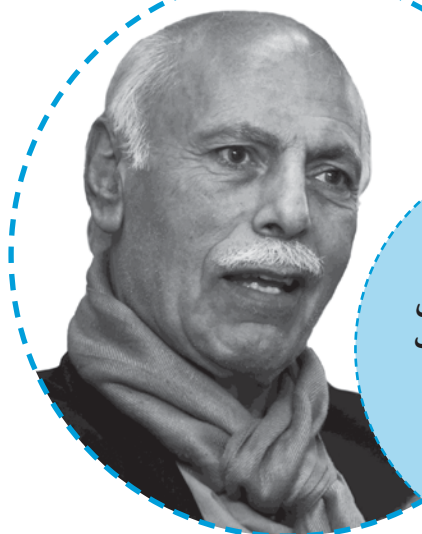
سررشته: بدون سرمایه و پول هرگز این کار میسر نمی‌شود. در گذشته آقای هاشمی‌طبا پایگاه‌های قهرمانی را در استان‌های مختلف ایجاد کرد. فکر نمی‌کردم امروز

تعطیل شود و دستگاه‌ها خاک بخورد. بهتر بود این‌ها را تحویل آموزش و پرورش می‌دادند؛ هرچند آموزش و پرورش نه کارشناس و نه مربی خوب دارد.

خوب بحث می‌کنیم اما در عمل ضعیفیم

طباطبایی: ما تئوری را خوب بحث و بیان می‌کنیم اما وارد اجرا و عمل که می‌شویم، مشکلات بسیاری داریم. وظایف وزارت ورزش و آموزش و پرورش سلیقه‌ای است. هر کس کار خودش را می‌کند. من در ورزش، سلیقه خود را با توجه به تجربه‌ام تعریف می‌کنم. نمی‌دانم آموزش و پرورش چه می‌کند. استعدادیابی برای این است که قهرمان المپیک بشود. ما با این دید نگاه می‌کنیم. در دنیا هم برای نخبگان و قهرمانان استعدادیابی می‌کنند. استعدادیابی بیشتر برای فتح آن قله است. در این میان خیلی از مراحل باید تعریف شود. کسانی که به قله می‌رسند خیلی کم‌اند. ریزش می‌کنند. به‌عنوان مثال در اوکراین هر استان یک مدرسه ورزش و یک آکادمی دارد که بچه‌ها به این مدرسه‌ها و آکادمی‌ها به خارج از استان خود می‌روند که از نظر اجتماعی و خانواده فکر می‌کنم در جامعه ما جواب نمی‌دهد. ما نمی‌خواهیم ورزش همگانی را توسعه بدهیم. هدفمان از استعدادیابی، قهرمانی و نخبه‌یابی است. احساس می‌کنم ما باید در آموزش و پرورش با راهکارهایی که وجود دارد، مثلاً در ۳۱ استان ۳۱ پایگاه داشته باشیم تا براساس سیستم ارجاع عمل کند. استان به استان استعدادیابی بشود تا کوچک شود و برسد به آنچه ما می‌خواهیم و بعد تحویل باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها شود.

فرزانی: من با نظر ایشان موافقم چون آموزش و پرورش دیگر محلی برای پرورش استعداد و ورزشکار ندارد.



حسین فرزانی: اگر ما فقط روی آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنیم جواب نمی‌دهد. ما باید این سیستم استعدادیابی را عوض کنیم

بی‌اعتقاد به استعداد یابی

مسیبی: شخصیت‌هایی بودند که تا یکی دو دهه تعیین می‌کردند که چه کسانی برای ورزش قهرمانی مناسبند، ولی الان به‌طور کلی مطالعاتشان را کنار گذاشته‌اند و می‌گویند ما به لحاظ روان‌شناسی به استعداد یابی بی‌اعتقاد شدیم. چون می‌گویند با ملاک‌های روان‌شناسی نباید کسی را رد کرد که تو با استعداد نیستی. شبهه‌هایی وجود دارد. چند چیز است که ممکن است اشتباه شود مثلاً بین دو بچه یکی را با استعداد و دیگری را بدون استعداد بگوییم، در حالی که یکی از این دو در آپارتمان زندگی می‌کند، موقعیت سفر با ماشین پدر را ندارد و دیگری برعکس آن است. لذا بضاعت‌های محیطی و اقتصادی مهم هستند. اما بچه‌هایی را که هر چه می‌بازند، اصرار به بازی مجدد می‌کنند استعداد می‌دانند. بچه‌هایی که تلاشگرند برای ورزش خوبند. ملاک‌های روان‌شناسی دست رد به سینه کسی نمی‌زند. انگیزه‌ها مهم هستند لذا به لحاظ نداشتن عوامل روانی کسی را رد نمی‌کنند. ضمن اینکه عوامل روانی مهم است اما نباید منفی باشد، باید احتیاط کرد.

فرزانی: محیط و منطقه زیستی هم مهم است.

استعداد یابی شناخت مهارت‌های آتی فرد است

محمدیان‌فر: ساده‌ترین استعداد یابی، شناختن استعدادها و مهارت‌های آتی فرد است. برای استعداد، سهم‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود. متأسفانه در کشور ما دو تا سه سهم نیز دیده نمی‌شود.

در حوزه روان‌شناسی کوپینگ «Coping» یا کنار آمدن با شرایط مختلف، یکی از سهم‌های مهم این مسیر است. من در حوزه استعداد یابی و پرورش استعداد موافق با نظر آقای مسیبی هستم که پرورش استعداد را کار آموزش و پرورش نمی‌داند. بلکه کار آن شناسایی استعداد است. در کشورهای دیگر فرم‌هایی را با سه سؤال به معلم ورزش می‌دهند. البته ما نباید بار کاری زیاد روی دوش معلم ورزش بگذاریم، معلم ورزش فقط باید نحوه فعالیت بدنی را یاد بدهد. اما اگر بخواهد نخبه‌ای را به سازمان مربوطه معرفی کند، معلم ورزش باید آمادگی جسمانی مرتبط با تندرستی و مهارت‌های متعدد را

طباطبایی: آموزش و پرورش بیشتر روی توسعه سلامت ورزشی کار می‌کند، ولی یک قسمتی را هم باید برای قهرمانی بگذارد.

سررشته: ملموس‌تر بگویم با توجه به فرمایش آقای دکتر طباطبایی آموزش و پرورش محل شناخت استعدادهاست. در تمام دنیا پرورش استعدادها بر عهده فدراسیون‌های ورزشی است و وزارت ورزش در دنیای امروز کارش گسترش ورزش است. در زمان مونیتورینگ (سیستم نظارت) دبیر کل سابق در کمیته ملی المپیک به‌وسیله مرکز سنجش راه‌اندازی شد. در آن زمان دعوای سختی بین آقای جدیدی و خادم بود که کدام آن‌ها بروند وزن بالاتر و کشتی بگیرند. چون احتمال قهرمانی آن‌ها کم می‌شد. با کمک دکتر طباطبایی از طریق پیکر سنجی این کار انجام شد. مرکز سنجش تعیین کرد که جدیدی کجا و خادم کجا باشد. این امر باعث شد تا هر دو مدال بگیرند. کاری علمی بود که آموزش و پرورش نمی‌توانست انجام بدهد. این کار پایگاه‌های قهرمانی است که متأسفانه در استان‌ها تعطیل شده است. آقای رحمان رضایی بازیکن درجه دو بود. در نشستی علمی که انجام شد، او به بلازویچ معرفی شد. این کارها با روش مونیتورینگ بود. به‌نظر من آموزش و پرورش باید استعداد یابی کند و بعد تحویل فدراسیون‌ها بدهد. سؤال من این است آیا کسی را داریم که در مدارس، ورزشکار پرورش بدهد؟

حسینی: تعیین وظایف دستگاه‌ها به عهده وزارت ورزش است.

رامین طباطبایی: در شرایطی که ۶۰ میلیارد خرج پرسپولیس و استقلال می‌کنیم، یک مقدار هم روی استعداد یابی سرمایه گذاری کنیم



جمع‌بندی

۱. همه کسانی که در این میزگرد حضور داشتند، بر ضرورت توجه جدی به موضوع استعدادیابی ورزشی و نظام‌مند و علمی کردن آن در کشور تأکید داشتند و معتقد بودند پایه استعدادیابی در سنین ۸ تا ۱۲ سالگی و در آموزش و پرورش است.

۲. دو تن از کارشناسان حاضر در این میزگرد معتقد بودند که ما دارای نظام استعدادیابی ورزشی نبوده و نیستیم و بین استعدادیابی و نخبه‌یابی تفاوت قائل بودند؛ ولی دیگران معتقد بودند که ما در گذشته استعدادیابی ورزشی داشته‌ایم و در حال حاضر هم داریم؛ اما ممکن است ضعیف و غیرعلمی باشد که می‌توان آن را نظام‌مند، علمی و قوی کرد.

۳. **دکتر رامین طباطبایی** در این میزگرد بر ضرورت آموزش معلمان ورزشی برای استعدادیابی ورزشی تأکید کرد و گفت: پایگاه‌های سنجش باید در اختیار آموزش و پرورش قرار گیرد.

فتح‌الله مسیبی نیز گفت: استعدادیابی امری ضروری است ولی باید شرایط پرورش این استعدادها را هم فراهم کرد.

حسین فرزانی نیز با بیان این نکته که برخی از چهره‌های شاخص ورزشی کشور مانند علی دایی در سنین بالا شناسایی شدند، گفت: اگر در شهر محل زندگی این نوع افراد نظام استعدادیابی بود، استعداد آن‌ها خیلی زودتر کشف می‌شد و از این سرمایه‌ها بیشتر استفاده می‌شد.

فریبا محمدیان فر هم گفت: باید به معلمان ورزشی چند شاخص داد و از آن‌ها خواست هر کسی که این شاخص‌ها را دارد، به سازمان مربوطه معرفی کن.

مهران سررشته هم بر این نکته تأکید کرد که کلاس‌های تابستانی یک سرمایه عظیم برای

سررشته: کلاس‌های تابستانی یک سرمایه عظیم برای استعدادیابی است. اگر آموزش و پرورش با همکاری فدراسیون‌ها، این کلاس‌ها را زیر نظر بگیرد، استعدادها را شناسایی می‌کند

استعدادیابی است و اگر وزارت آموزش و پرورش با همکاری فدراسیون‌ها، این کلاس‌ها را زیر نظر بگیرد استعدادها را شناسایی می‌کنند.

یاد بدهد که در سنین پایین شروع می‌شود. ما ۵۳ فدراسیون و ۴۹ رشته ورزشی داریم.

باید یک مبانی عمومی (General Base) برای رشته‌ها داشته باشیم. باید به من معلم بگویند پنج شاخص را داشته باش و هر کدام از بچه‌ها که این شاخص‌ها را داشتند معرفی کن. ما اداره کل استعدادیابی در وزارت ورزش داریم. اگر سیستم رایانه‌ای باشد، مانند همه کشورها، بچه‌ها به راحتی به فدراسیون می‌روند. آن‌ها زنگ می‌زنند. غربال‌گری می‌کنند. ما چون مبانی عمومی نداریم، همه داریم شعار می‌دهیم که فرایند بگذاریم، سیستم بدهیم، آن چهار فاکتور عمومی برای استعدادیابی کدام است. ما باید طرح‌هایی را از آموزش و پرورش بخواهیم که بتواند در ۹۰ دقیقه آموزش‌های لازم را بدهد. ما باید استعداد را در سنین پایین شناسایی کنیم. آموزش و پرورش باید به همه ابعاد توجه کند.

در حوزه ورزش دختران هم باید عرض کنم که آلا کلنگ حوزه ورزش دختران و پسران زمانی به تعادل می‌رسد که در نظام برنامه‌ریزی هر دو را مثل هم ببینیم. فضای آموزشی بیش از ۹۰ درصد مدارس ما روباز است. شاید برای پسران مشکل نباشد، ولی برای دختران که نمی‌توانند در حیاط بدون مقنعه و مانند کار کنند، مشکل است. دختران حتی فضای رختکن ندارند. فضای مناسبی برای عوض کردن لباس و آماده شدن برای کلاس درس بعد از ورزش را هم ندارند.

مسیبی: کوپینگ یا کنار آمدن با شرایط خیلی مهم است. این یعنی وقتی واقعه‌ای غیرعادی پیش می‌آید، شما بتوانید با آن کنار بیایید و به بازی برگردید. بچه‌های ما چون مهارت کوپینگ ندارند نباید کنار گذاشته شوند. این یک مهارت است.

سررشته: در استعدادیابی برای کشور ما یک سرمایه عظیمی نهفته است که در هیچ جای دنیا نیست و آن کلاس‌های تابستانی است. در هیچ جای دنیا مردم پول نمی‌دهند که بچه‌هایشان به کلاس تابستانی بروند. به نظر من اگر آموزش و پرورش با همکاری فدراسیون‌ها این کلاس‌ها را زیر نظر بگیرد، به‌خصوص در کلاس‌های فوتبال، شنا و بسکتبال که پرجمعیت هستند، استعدادها را شناسایی می‌کنند.